

مدیریت کلاس درس

سید صمد الماسی حسینی

کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) تهران

Almasisamad94@gmail.com

چکیده

مدیریت کلاس درس از سوی معلم برای ایجاد نظم و انضباط، مطلوب کردن تدریس و ایجاد یادگیری در دانش آموزان کلاس درس انجام می گیرد. چنانچه مدیریت کلاس به خوبی انجام نگیرد، فرایند تدریس و یادگیری با مشکل مواجه خواهد شد. هدف از نگارش این مقاله بررسی مدیریت کلاس و ارائه راهکارهایی در جهت بهبود این امر است. معلم نقش تسهیل کننده امر آموزش و یادگیری را بر عهده دارد. در این بین او می تواند علاوه بر موفقیت در امر یادگیری با مدیریت صحیح کلاس به ایجاد الگوهای رفتاری مناسب و تکامل شخصیت دانش آموزان نائل شود. همچنین از آنجایی که کلاس محیطی پویا و سیال است و تصمیمات آن در جهت مدیریت کلاس آنی و در لحظه است، اهمیت دارد که هر معلمی جهت برخورد با مسائل خاص کلاس خود و جلوگیری از حاد شدن مسائل راهکارهایی را برای مدیریت و رفع تنش به کار برد و با تبحر خاص مسائل را فیصله دهد. بنابراین در این مقاله که برای جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای استفاده شده است و با بررسی کتب و مقالات مرتبط به تدوین مدیریت کلاس درس پرداخته شده است، مدیریت کلاس، اهمیت آن، تئوری های مربوطه و ارائه راهکارها و جمع بندی بحث و تجزیه و تحلیل شده است.

واژه های کلیدی: مدیریت کلاس - تئورهای مدیریت کلاس درس - راهکارهای مدیریت کلاس

مقدمه

از ابتدای تجربه تدریس، معمولاً معلمان نگرانی خود را در مورد کنترل دانش آموزان و ایجاد یک محیط و جو مناسب برای یادگیری ابراز می کنند، همچنین به مدیریت کلاس درس به عنوان پیچیده ترین جنبه تدریس اشاره شده است. کلاس درس و نحوه مدیریت آن با معلمان عجین شده است. اما اینکه چه نوع روشی در این رابطه اتخاذ می گردد، بستگی به دیدگاه معلم دارد. برخی از آن ها بر این اعتقادند که از ابتدای سال با مهربانی و روی خوش کلاس را آغاز کنند و به تبع آن به امر کلاس داری بپردازند. برخی خلاف این عقیده را دارند و برخورد قاطع و رسمی را پیشنهاد می کنند. آنچه واضح است این است که تا زمانی که کلاس درس حاکم نباشد و کلاس از قوانینی پیروی نکند، فرآیند آموزش و یادگیری به صورت مطلوب انجام نمی گیرد، همچنین نباید منتظر نتیجه های مثبت و موثر تربیتی بود. دیل (۱۹۸۰) بیان می کند که حفظ نظم در یک کلاس، یک وظیفه اصلی تدریس است، زیرا فعالیت های مدیریت کلاس منجر به ایجاد و نگهداری شرایطی می شود که در آن آموزش می تواند به طور موثر و کارآمد انجام شود. شواهد جمع آوری شده از بررسی متغیرهایی که بر یادگیری مدرسه تأثیر می گذارند، مدیریت کلاس درس به عنوان یکی از متغیرهایی که بیشترین تأثیر را در یادگیری مدرسه دارد، وجود دارد (فراایبرگ، 1999). این رابطه بین مدیریت کلاس درس و یادگیری دانش آموزان باعث می شود مسئله مدیریت کلاس درس اهمیت حیاتی داشته باشد. لذا وجود مدیریت کارآمد معلمان و ایجاد شرایط لازم برای تسهیل در امر یادگیری در کلاس درس که مطابق نیازها و ویژگی های فراگیران باشد، لازمه ی یادگیری مطلوب است. در یک کلاس شلوغ و پر هرج و مرج نه تنها نمی توان انتظار کسب موفقیت از دانش آموزان را داشت، بلکه ممکن است این عامل باعث تأثیر منفی نیز باشد و موجب انحراف دانش آموزان از مسیر اصلی آموزش شود (مارزانو، ۲۰۰۶). کلاس درس محلی است که به منظور تحقق اهداف آموزشی و تربیتی آماده شده است، تا با تنظیم برنامه و مهارت های مورد استفاده معلمان، از طریق تدریس و یادگیری محتوای مورد نظر و فراهم نمودن تجربیات یادگیری مفید، این امر انجام گیرد. علاوه بر معلم و فراگیران که تشکیل دهنده ی کلاس هستند و آماده تجربیات یادگیری می شوند عوامل دیگر در تدارک دیدن محیط مطلوب یادگیری سهیم هستند. آنچه که مسلم است معلم به عنوان تسهیل کننده امر آموزش و یادگیری ایفای نقش می کند، اما در قبال اهداف، محتوا، فضا، امکانات و قوانین آموزشی و تربیتی حاکم بر فرآیند آموزشی، وی نقشی ندارد یا در صورت ایفای نقش، اندک است. از سوی دیگر هر کدام از دانش آموزان با داشتن تجربیات منحصر به فرد گذشته و حال (خارج از کلاس) به کلاس درس گام می نهند. بدیهی است که معلم با در نظر گرفتن این عوامل به دنبال ایجاد نظم و آراستگی در کلاس درس است و علاقمند است تا بهترین نوع مدیریت کلاس را به نمایش بگذارد و تلاش های او در زمینه آموزشی با بی نظمی ضایع نگردد. شیوه مدیریت کلاس باید این ظرفیت را دارا باشد که معلم را در امر آموزش و یادگیری موفق گرداند. در غیر این صورت آن شیوه را باید کنار گذاشت و ایرادات را مرتفع کرد. البته برای موفقیت در این زمینه باید معلمان قبل از شروع به تدریس در کلاس درس با این شیوه ها آشنا شوند و با

اضافه شدن تجربیات، مدیریت کلاس پربارتر و مناسب تر گردد. معلم موفق کسی است که کلاس درس را به گونه ای آماده می سازد که پاسخ گوی تمامی چالش ها در طول تدریس می باشد. او باید روش های برخورد با مشکلات کلاس و درس را بشناسد و راهبردی را اتخاذ کند که فرایند یاددهی - یادگیری را مختل نسازد و مشکلات جزئی کلاس او، به مشکلات کلی و وخیم تبدیل نشود. برای دستیابی به یادگیری باید نظم را قبل از کلاس در کلاس های آموزشی فراهم کنیم. به طور کلی، مدیریت کلاس درس اشاره به اقدامات و استراتژی های معلمان برای حفظ نظم دارد (دویل، 1986). پژوهش های کارولین اورتسون (۱۹۸۷) درباره مدیریت و اداره کلاس نشان می دهد که کلاس درس مستلزم قواعد و مقررات روشن و واضحی است که معلمان برای کنترل کلاس آنها را وضع و به کار می گیرند. نظارت مداوم بر رعایت قواعد و مقررات، ثبت و نگهداری دقیق کارهای تحصیلی و تکالیف دانش آموزان و کنترل چگونگی روابط بین معلم و دانش آموزان یکی از کاربردهای ضروری مدیریت کلاس درس است.

در برخی از موارد در کلاس درس مسائلی پیش می آید که منجر به اختلال و از هم گسیختگی کلاس می شود، (که در اینجا آن را خلاء شناختی، مهارتی می نامیم) و باعث می شود اینچنین نمایان شود که هیچگونه آموزش و مطلبی در این رابطه وجود ندارد و یا اگر هم مطالبی هست با مراجعه به آنها نمی توان به مشکل ما کمکی بکند و در حل آن فائق آید. همین امر باعث کندی شکل گیری فرایند یاددهی - یادگیری و آسیب پذیری امر آموزش می شود. در نتیجه این امر باعث ایجاد احساس یاس و ناامیدی همراه با کوشش و خطا گهگاهی معلم می شود. بنابراین هدف اصلی در این مقاله ارائه راهکارهایی در رابطه با مدیریت کلاس درس توسط معلمان است.

معلمی، هنر یا علم؟

قبل از هر چیز باید گفت که دیدگاه ما نسبت به امر معلمی هر چه باشد، معلم دارای ویژگی های خاصی است. جان دیویی، معتقد است معلم خوب باید دارای ویژگی های زیر باشد: ۱. معلم خوب، باید با تفاوت های فردی شاگردان خود، آشنا و به این امر آگاهی داشته باشد؛ ۲. معلم خوب، باید قدرت هدایت کلاس به سوی هدف های مشخص شده را داشته باشد و ۳. معلم خوب، باید احساسات سلطه جویانه خود را کنترل کند (خنیفیر، ۱۳۸۲). گیلبرت هارت معتقد است که معلمان برای موفقیت در کار خود باید دارای ویژگی های زیر باشند: ۱. علاقه به دانش آموزان ۲. تسلط به موضوع درس ۳. شناخت تفاوت های بین دانش آموزان ۴. انجام مطالعه و کسب آگاهی مداوم ۵. ایجاد رابطه بین جامعه و مدرسه ۶. کسب آگاهی از فنون و مهارت های آموزشی (وکیلان، ۱۳۹۱). همچنین در تقسیم بندی دیگری می توان ویژگی های معلم را در دو دسته جای داد: ۱. ویژگی های شخصیتی که شامل؛ معنویت، تفکر کردن، نقد، کرامت نفس، تعادل در رشد و کمال، از خود گذشتگی و ایثار است و ویژگی های حرفه ای که شامل؛ علم کافی، شناخت فراگیران، نوآوری، پرورش دهنده استعدادها، مهارت ارتباطی، روش تدریس، مدیریت کلاس درس و خود کارآمدی می باشد (الماسی، ۱۳۹۴). اما اینکه موفقیت در معلمی استفاده محض از علم باشد و یا استفاده محض از

خلاقیت و هنر نمی توان مورد قبول باشد. هر معلم موفق با روش های تدریس، نظریه مختلف تدریس و یادگیری آشناست. او با رشد شناختی دانش آموزان آشناست و می داند که آموزش خود را چگونه ارائه دهد. او علاوه بر این تدریس و آموزش خود را براساس آموخته های قبلی دانش آموزان بنا می نهد و از پراکنده گویی خودداری می کند. او با تاثیر و چگونگی ارائه تقویت ها آشناست و می داند از هر کدام از آنها چه زمانی استفاده کند. او تفاوت آموزش ملموس با آموزش انتزاعی و سخنرانی صرف را می داند. معلم موفق با استفاده از این دانش ها و علوم تربیتی، آموزشی اثربخش را ارائه می دهد و تسهیل کننده یادگیری مطلوب در دانش آموزان است. موارد ذکر شده در بالا همه جز علوم معلمی محسوب می شوند، که از یک سو باعث تسلط معلم بر امر تدریس و آموزش می شود و از سوی دیگر از تکرار تجربیات گذشته و اتلاف وقت جهت پی بردن به آموزش مناسب جلوگیری می کند. در اینجا است که کاملاً مشخص می شود هر معلمی برای موفقیت باید به دانش های مورد نیاز دست یابد.

از سوی دیگر هنر تلقی کردن معلمی بیشتر یک تعبیر ادیبانه است تا یک تعبیر دقیق و قابل قبول. البته چون عنصر خلاقیت در کار معلمان جایگاه ویژه دارد و به نحو بارزی به چشم می خورد و خلاقیت جوهره ی اصلی هنر است باید گفت تشابه هایی میان کار یک مربی و کار یک هنرمند وجود دارد. اما باید گفت با این تشابه نمی تواند تربیت ماهیت هنری صرف داشته باشد (ادیب نیا، ۱۳۸۹). بنابراین تحصیل علم کافی در رابطه با تعلیم و تربیت نیازی مبرم است و این علم با خلاقیت و هنر مندی معلم تکمیل و بهتر می شود. پس هم علم لازم است و هم هنر استفاده از آن لازم است.

رویکردهای مدیریت کلاس درس

توانایی برخورد مناسب با رفتارهای دانش آموزان یکی از عوامل مهم موفقیت آموزش و یادگیری است. توانایی معلم در هدایت رفتار دانش آموزان و ایجاد بهترین فضای آموزشی ممکن لازمه ی موفقیت معلم در کلاس درس است (گلاور و برونینگ، ۱۳۸۱). انتخاب هرگونه شیوه ی مدیریتی، به روش تدریس و هدف های معلم بستگی دارد. معلمان با به کارگیری روش مدیریت مناسب کلاس درس خود می توانند، علاوه بر موفقیت در فرآیند آموزشی و یادگیری در پرورش مهارت های اجتماعی، خلاقیت ها و توانایی های دانش آموزان نقش مهمی داشته باشند و مشکلات انضباطی کمتری در کلاس خود مشاهده کنند. مدیریت و اداره کردن چنین محیطی، نیازمند تصمیمات آنی و اقدامات سریع و مداوم است و به مهارت های خاص مدیریتی و گاهی تلفیق از چند روش مدیریتی نیاز دارد. دیدگاه ها در مورد شیوه های مدیریت کلاس درس می تواند به روش های مختلف طبقه بندی شود.

رویکرد رفتارگرایانه در مدیریت کلاس درس: رویکرد رفتارگرایانه به این نکته تأکید دارد که معلم باید تصمیمی اتخاذ کند تا در کلاس درس او مشکلی به وجود نیاید. از آغاز سال تحصیلی، معلم موظف است قوانین و مقررات کلاس درس، و پیامدهای ناشی از رعایت و عدم رعایت

این قوانین را را وضع کند، دانش آموزان نیز موظف اند آن قوانین را اجرا کنند، تا در این صورت به کلاسی خالی از مشکل دست یابد و به امر آموزش و یادگیری مطلوب بپردازد. فرایند تقویت از طریق پاداش دادن به رفتارهای مطلوب و پس گرفتن امتیاز در صورت بروز رفتارهای غیرمطلوب، در این روش مؤثر است. فرایند تقویت از طریق پاداش و تنبیه هدف معلم و آموزش او نیست بلکه به عنوان ابزاری برای یادگیری محسوب می شود. به نحوی که معلم توسط آنها رفتارهای دانش آموزان را افزایش یا کاهش می دهد (گلاور و برونینگ ، ۱۹۹۰). این رویکرد بر این عقیده مبتنی است که رفتار دانش آموزان محصول تاریخچه تقویتی شان است. نقش معلم تعیین و اجرای قوانین و رویه ها، تفهیم آنها به دانش آموزان و تنبیه و پاداش آنها بر اساس رعایت قوانین و رویه ها است (دمبو، ۱۹۹۴). اقتدار معلم در این روش کاملاً محفوظ است و معلم در وضع و حفظ مقررات کلاس، از این اقتدار بهره می جوید. رویکرد رفتارگرایانه به خود رفتار توجه دارد و به علت های آن اهمیتی نمی دهد.

رویکرد شناخت گرایانه در مدیریت کلاس درس: شناخت گرایان مثل برونر و پیازنه اعتقاد دارند، اگر صرفاً رفتار بیرونی را مدنظر قرار دهیم، نقش اندیشه، تفکر، استنتاج و... محدود می گردد. شناخت گرایان منشأ انگیزش آدمی را در درون او و به خصوص، در نوع نگرش و اندیشهی او می دانند. از نظر شناخت گرایان، برخی نیازهای ایجادکنندهی انگیزه ی رفتار شامل نیاز به احساس کفایت، احساس خود مختاری، نیاز به پیشرفت و نیاز به کنجکاوی می باشند. رویکرد شناختی در پی علت رفتارهای دانش آموز است. اگر دانش آموزی بی انضباط است، به جای کنترل رفتار قابل مشاهده ی او باید در پی شناخت انگیزه، نگرش و اندیشه ی او برآمد تا در صورت نقص به اصلاح آن پرداخته شود. اگر دانش آموز به اهمیت آموزش و یادگیری و فایده های آن برای خویش پی ببرد، ترجیح می دهد که در امر آموزش فعال باشد و به تجربیات یادگیری بپردازد و از ایجاد بی نظمی در کلاس خودداری نماید. در این رویکرد طبق نظریه آزوبل باید امکان یادگیری معنادار را فراهم کنیم. دانستنی های دانش آموز باید با آموزش و یادگیری حال حاضر مرتبط باشد نه پراکنده و بی ارتباط.

کنترل رفتار از طرف معلم اغلب در مراحل بعدی موجب شکست دانش آموز در کنترل رفتارش می شود. پاداشهای بیرونی از طرف معلم منجر به کاهش انگیزه درونی شده و کمکی به رشد اخلاقی، مسئولیت پذیری و خودتنظیمی نمی کند. علاوه بر ایجاد قوانین در کلاس برای جلوگیری از بی انضباطی و ایجاد مدیریت کلاس، باید دانش آموزان را به خود نظم دهی هدایت کرد. مدیریت کلاس درس ما باید شامل فرآیندهای خود انضباطی شود و ما نباید دانش آموزان را تنها با تنبیه و پاداش وادار به رفتار مناسب کنیم (دارلینگ و برانسفورد ، ۲۰۰۵).

رویکرد غیر مداخله جویانه در مدیریت کلاس درس: مداخله ی معلم در حل مشکلات کلاس بسیار اندک است. هدف اصلی در این روش، ارتقای رشد فردی دانش آموزان و آزادی آنان است، زیرا منشاء مشکل کلاس، رشد ناقص فردی است. معلمان در این روش با دانش آموزان خود رابطه ی مشاوره ای دارند و راه حل مشکل را به عنوان بخش طبیعی فرآیند رشد مورد ملاحظه قرار می دهد. همچنین معلم در فعالیت های

کلاس نقشی حمایتی از دانش آموز را دارد. این رویکرد حداقل اقتدار را برای معلم در نظر می گیرد و به جای آن، بیش تر به تقویت روابط میان معلم و دانش آموز تأکید دارد.

رویکرد تعامل گرایانه در مدیریت کلاس درس: عقیده بر این است که رفتار دانش آموزان متأثر از عوامل شخصی و محیطی است. نقش معلم اینست که به دانش آموزان کمک کند تا رفتار خود و نتایج آنها را درک کنند و در تصمیمگیری کاملاً منطقی باشند. همچنین معلم یک نقش مهمی در تعیین و اجرای قوانین دارد و هنگام سرپیچی دانش آموزان از قوانین با آنها برخورد می کند (دمبو، ۱۹۹۴). در این روش (تعامل گرایانه) از کنش متقابل اجتماعی بهره برده می شود. مشکلات کلاس پیامد طبیعی حضور دانش آموزان تلقی می شود، غیرمنتظره به نظر نمی رسد و مانند فعالیت های حل مسئله در کلاس، مورد توجه قرار می گیرد و حل و فصل می شود. آنچه که در این رویکرد مورد توجه قرار می گیرد نقش دانش آموزان در تصمیم گیری ها است.

به طور کلی نمی توان گفت کدام روش کارآمدتر یا فاقد کارایی است. روشی برای معلم کارآمد است که بهترین نتیجه را در کلاس درس او داشته باشد. بنابراین معلم باید روش های متعدد را در کلاس خود بیازماید و کارآمدترین را انتخاب کند. البته به صراحت می توان گفت، شمار معلمانی که از نظر سبک یکی از روش های مدیریت رفتارگرایانه یا تعامل گرایانه یا غیرمداخله جو را اعمال می کنند، اندک است. اکثر معلمان بدون این که از روش مدیریت کلاس درس خود آگاه باشند، ترکیبی از انواع مدیریت را مورد استفاده قرار می دهند. این معلمان روش مدیریت صحیح و علمی و استاندارد را در هر لحظه از زمان تدریس خود به کار می گیرند و کلاس درس آن ها همیشه فعال و زنده و پر از نشاط و انگیزه ی یادگیری است.

معمولاً روشی که بر قاطع بودن تأکید می کند، ولی در آن معلم به نظرات دانش آموزان احترام می گذارد، بر روشی غیر قابل انعطاف، اجباری و استبدادی ترجیح داده می شود (بیلر، ۱۳۸۹).

راهکارهای مدیریت کلاس درس

مدیریت کلاس و اداره و بهبود کیفیت آموزشی آن همواره جزو وقت گیرترین فعالیت های معلمان بوده است. بیشتر وقت معلمان به ایجاد انضباط و نظم در کلاس درس می گذرد. به همین دلیل یکی از موضوعاتی که امروزه مدارس و بخصوص معلمان به آن توجه می کنند، موضوع مدیریت کلاس می باشد. برای رسیدن به نتایج مطلوب آموزشی و مشارکت همه جانبه دانش آموزان در کلاس درس اولین قدم وجود مدیریت و نظم حاکم بر کلاس درس است. اگر اولین قدم در این امر که همان حفظ نظم است رعایت نشود گام های دیگر یادگیری نیز میسر نمی شود. بنابراین در این مقاله راهکارهایی در رابطه با مدیریت کلاس درس ارائه می شود.

۱. قوانین برای کلاس طراحی کنید. مشکلات انضباطی در کلاس که ناشی از نبودن مقررات یا اجرا نشدن آن است، از بزرگترین آفت های محیط های آموزشی است. تدوین قوانین کلاسی و تشریح آن برای فراگیران و آگاهی دادن به آنها، باعث ایجاد گرایش به نظم در کلاس و در

نهایت موجب عملکرد مثبت فردی و گروهی می شود (حقانی، ۱۳۹۴). باید با دقت بالای قوانین و رویه‌ها را برای مدیریت صحیح دانش‌آموزان در چهارچوب اهداف آموزشی طراحی و اجرا کرد. همچنین باید نوع برخورد با مواردی که این قوانین را نقض می کنند، طراحی کرد، و دانش آموز پی ببرد که کلاس درس قوانینی دارد که تخطی از آن به زیان اوست و تفاوت بین او و کسانی که این کار را انجام نداده اند، وجود دارد. از سوی دیگر طراحی این برخوردها باعث افزایش اعتماد به نفس شما می شود. سعی کنید دانش‌آموزان در این طراحی مشارکت داشته باشند.

۲. انتظارات را واضح بگویید. انتظارات خود را از دانش‌آموزان در کلاس درس و به شکل مثبت، قواعد و دستورالعملها به اطلاع آنها برسانید و آنها را در جایی قابل مشاهده در کلاس، تا پایان سال نصب کنید. البته نکته مهم و قابل تامل این است که رفتارهایی که از دانش‌آموزان انتظار داریم در موقعیت‌ها و شرایط مختلف، باید متفاوت باشد (تیلستون، ۱۳۸۵). مثلاً رفتار او در کلاس با رفتاری که در ساعت ورزش یا گردش علمی دارد تفاوت دارد.

۲. دانش‌آموزان را با اسم صدا کنید و سعی کنید اسامی آنها را از همان ابتدای سال یاد بگیرید. این کار یعنی این که شما آنها را می شناسید، به مسائل و رفتار آنها حساس هستید و اهمیت می دهید و با آنها در کلاس همراه هستید. آنها نیز در عوض خود را جزئی از کلاس می دانند. همچنین باعث می شود معلم با دانش‌آموزان خود روابط پسندیده‌ای داشته باشد. (کولین و لاسلت، ۱۳۸۰).

۳. مخاطبان خود را بشناسید. شناخت استعدادها و علایق دانش‌آموزان در ایجاد رابطه مطلوب و تدریس موفق موثر است. معلم باید با ساخت شناختی دانش‌آموزان آشنا و به بهبود آن کمک کند. یعنی آموزش باید بر پایه دانش قبلی دانش‌آموزان قرار گیرد، تا ارتباط و یادگیری بهتر انجام گیرد. ممکن است بعضی از دانش‌آموزان آمادگی ذهنی لازم را برای یادگیری مطلب تازه نداشته باشند. از این رو معلم باید با استفاده از مقدمه‌ای مناسب، زمینه یادگیری هر چه بیشتر دانش‌آموزان را فراهم سازد (وکیلان، ۱۳۹۱). این امر باعث خواهد شد که شما بدانید دانش‌آموزان در چه مرحله‌ای هستند و چه نوع آموزشی مفید واقع می شود. فرض کنید معلمی برای دانش‌آموزان کلاس دوم از روش‌های انتزاعی و غیر ملموس استفاده می کند. تدریس معلم با این روش به این مخاطبان طبق نظریه پیاژه کاملاً اشتباه و غیر مفید است. در نتیجه باعث کسالت، بی‌حوصلگی و گوش ندادن می شود، که دانش‌آموزان معمولاً در این مواقع شروع به صحبت کردن باهم و بی‌انضباطی می کنند. شناخت علایق دانش‌آموزان نیز کمک موثری به شما می کند. اگر با علایق کلی دانش‌آموزان آشنا باشیم خواهیم توانست در نحوه مدیریت کلاس درس و ارائه تکالیف آموزشی از آنها استفاده کنیم. مثلاً ارائه تکالیف فارسی با چاشنی بگرد و پیدا کن، یا استفاده از بازی‌های آموزشی و سرگرم کننده در مواقع تشخیص معلم. از سوی دیگر معلم باید با ویژگی‌های شخصی دانش‌آموزان آشنایی داشته باشد (البته در این مواقع همکاری اولیاء دانش‌آموزان موثر است. معلم می تواند با گفتن این جمله به اولیا به این امر فائق آید: اگر موردی در رابطه فرزندتان است که می دانید با گفتن آن به او کمک می کنید، بگویید). فرض کنید دانش‌آموزی از لحاظ درسی مطلوب است اما با کندهی همراه است. در این مورد معلم با شناخت این ویژگی در ابتدای سال ابتدا از برداشت نادرست مصون می ماند، و در ادامه به او کمک خواهد کرد تا این مشکل برطرف یا کاهش یابد.

۴. به دانش آموزان عزت نفس دهید. عزت نفس کودکان در جنبه های گوناگونی شکل می گیرد، زمینه های اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی (الماسی، ۱۳۹۷). اما آنچه که در اینجا مورد نظر ماست، زمینه تحصیلی است که معلم مستقیماً با آن در ارتباط است. دانش آموزان مشکل آفرین معمولاً عزت نفسشان پایین است. دانش آموزانی که در کار مدرسه موفق نیستند، از نظر ورزشی ضعیف هستند و از نظر ظاهر جذاب نیستند ممکن است با تبدیل شدن به مایه آزار کلاس در جستجوی شناخته شدن و وجهه اجتماعی باشند (بیلر، ۱۳۸۹). پیامهایی که کودکان، به مرور و با گذشت زمان، از افراد مهم پیرامون خود در مورد خودشان دریافت می کنند، برای عزت نفس آنها بسیار مهم است. کودکان معمولاً همه چیز را به عنوان حقیقت قبول می کنند در واقع این مسئله به جذابیت آنها می افزاید (الماسی، ۱۳۹۷). به هر مقدار که دانش آموزان در کلاس درس و تصمیم های آن مشارکت داشته باشند و از توانمندی های آن ها استفاده شود، عزت نفس بیشتری خواهند داشت. همچنین با تاکید بر پیشرفت های او و بزرگ جلوه دادن موفقیتهايش و با تشویق ها و تایید های مناسب، توانایی های مختلف او را به رسمیت بشناسید (بیلر، ۱۳۸۹). منصف بودن شما نیز یکی دیگر از عواملی است که باعث رشد توانمندی ها و عزت نفس آنها خواهد شد.

۵. کلاس را به محیط حمایت کننده تبدیل کنید. محیط کلاس باید محیطی باشد که در آن، به نیازهای مختلف (عاطفی، امنیت، احترام متقابل و...) شاگردان پاسخ مطلوب داده شود. جو علمی و عاطفی کلاس درس، در صورت مطلوب بودن، بیش از محیط خارج از مدرسه در شکوفایی و تحول اندیشه دانش آموزان موثر است. در اینگونه محیط ها به اندیشه افراد احترام می گذارند (شعبانی، ۱۳۹۰). آشکار است که مدرسه، خانه دانش آموزان نمی شود و معلم هم نمی تواند جای پدر و مادر دانش آموزان باشد، اما با توجه به مسولیتی که بر عهده دارد، مسلماً می تواند به نیازهای دانش آموزان اهمیت دهد و با تحسین صادقانه او، نقشی تسهیل کننده ایفا کند. البته باید دانست که صمیمیت با دانش آموزان مفید است اما نه به قیمت فراموش شدن نقش معلمی. صمیمی باشید ولی قاطعیت خود را فراموش نکنید. معلم تسهیل کننده امر آموزش و یادگیری است.

۶. دانش آموزان را بیکار نگذارید. بدین مضمون که درس را سریع شروع کنید، همین امر باعث جلوگیری از مشکلاتی در کلاس درس می شود. توصیه می شود که معلم با برنامه ریزی دقیق، تلاش در پیشرفت امر تدریس و آموزش داشته باشد، زیرا در اینصورت شاگردان احساس اعتماد به نفس و شایستگی در موضوعات درسی می کنند (کولین و لاسلت، ۱۳۸۰).

۷. عمل کنید و الگوی مناسبی باشید. ظاهر آراسته و متناسب با حرفه معلمی را انتخاب کنید. به صحبت هایی که با دانش آموزان می کنید پایبند باشید و خودتان نیز به آن عمل کنید. اگر به آنها می گوئید سر ساعت و به موقع در کلاس حاضر شوید، خودتان نیز باید همین کار را انجام دهید. اگر در زمانی خاص قول بررسی تکالیف را داده اید، حتماً همان زمان آن کار را انجام دهید.

۸. پیشرفت شاگردان را در کلاس نمایان کنید. همه فراگیران نیاز دارند به خاطر کار خوبی که انجام می دهند مورد تشویق قرار گیرند، بنابراین دانش آموزان باید برای تلاش سخت و کسب موفقیت، تحسین شوند (حقانی، ۱۳۹۴). هر کدام از دانش آموزان این امکان را دارند که در طول سال تحصیلی به پیشرفت هایی در زمینه های مختلف دست یابند. به فرض دانش آموزی در ابتدای سال در روخوانی فارسی کند و با فاصله

فراوان کلمات را بیان می کرد، اما به هر دلیلی دانش آموز با گذشت چند ماه از سال در این مهارت به سطح مطلوب یا مطلوب تر از گذشته دست می یابد. در اینجا معلم پیشرفت او را با عناوین مثبت (مثلا : تلاشگر کلاس، نابغه کوچک) به دیگر همکلاسی هایش اعلام می کند. این شیوه را در بقیه مهارت ها و ویژگی های رفتاری به کار گیرید.

۹. منصف باشید. بین خطای اولیه و محروم کردن کودک از مزایا همسانی باشد. کودکان از هر طیف سنی انصاف را یکی از مطلوب ترین صفت های معلم می دانند (وکیلین، ۱۳۹۱). از سوی دیگر در اجرای محرومیت بین دانش آموزان فرق نگذارید. همه باید در مقابل نقض قوانین کلاس به صورت یکسانی جریمه شوند.

در پایان به موارد دیگر در رابطه با راهکارهای مدیریت کلاس درس اشاره می شود: استفاده از روش های تدریس متنوع، مهارت تشویق و تنبیه، بالا و پایین کردن تن صدا برای جلوگیری از یکنواختی، استفاده از نمادها و حرکات دست و سر و نگاههای معنی دار، دوری از بلند کردن صدا (داد زدن)، انجام مطالعه مداوم، نگاه یکسان به همه دانش آموزان و ...

نتیجه گیری

بی گمان تدریس و یادگیری یکی از دشوارترین کارها محسوب می گردد. زیرا معلم در کلاس درس در صدد تحقق اهداف آموزشی و تربیتی است. این امر علاوه بر آگاهی از دانش تخصصی، چاشنی هنر و تجربه تدریس را نیز می طلبد. معلمان برای رسیدن به این منظور از راه ها و راهبردهای گوناگونی بهره می برند. آنها ابتدا در پی ایجاد نظم در کلاس هستند. سپس به استفاده از روش های تدریس و یادگیری متفاوت روی می آورند و در عین حال برای فهم مطالب و مسائل آموزشی از وسایل کمک آموزشی بهره می برند. بدیهی است انجام این اقدامات را به صورت یکجا مدیریت کلاس درس می گویند. مدیریت کلاس می تواند یکی از مؤثرترین عوامل و هسته ی اصلی مهارتهای تدریس باشد که معلمان باید همواره آن را بهبود بخشند. اداره کلاس درس یعنی استفاده از فنون ایجاد و حفظ یک محیط سالم و خالی از مشکلات رفتاری. از مهم ترین کارهایی که باید برای مدیریت کلاس درس انجام دهید، آماده شدن از ابتدای سال تحصیلی و قبل از شروع کلاس درس است. با آماده شدن و بکار بردن راهکارهای مدیریت کلاس درس، این امر را از همان ابتدا آغاز کنید. مدیریت کلاس مفهومی فراتر از برقرار کردن انضباط در کلاس درس دارد. هدفش فقط ساکت کردن دانش آموزان در کلاس نمی باشد. بلکه هدف های آموزشی معلم را در بر می گیرد. مفهوم مدیریت کلاس شامل اجرای طرح های آموزشی توسط معلم برای یادگیری بهتر دانش آموزان و استفاده از اصول نظم و کنترل کلاس می باشد. یعنی مفهوم مدیریت کلاس هم بعد آموزشی را شامل می باشد و هم بعد اخلاقی (باعث کنترل نظم و انضباط در کلاس می شود). گرچه نمی توان راه حل معجزه آسایی برای رویارویی با همه ی چالش ها ارائه داد، اما بعضی مهارت های ساده مدیریت کلاس درس می تواند کارساز باشد. بدون شک معلمان در سال های متوالی تدریس خود شیوه های متفاوت در حل مشکلات کلاس درس خود به کار بسته اند که حاصل آن تجارب آزموده ای است که شاید ناآگاهانه شاخه ای از مدیریت علمی در کلاس درس آنان باشد. ارتقای سطح توانایی ها و مهارت

های کلاس داری با استفاده از روش های فعال و پویا در جلوگیری و کنترل رفتارهای نامناسب موثر می باشد. معلمان باید بدانند که اگر آموزش اثربخش توسط روش ها و مهارت های مدیریتی کارآمد در کلاس نباشد، هیچ یک از فنون مهارت های کلاس داری او به نتیجه نمی رسد زیرا که مهارت های مدیریتی کارآمد نظیر شرکت دادن دانش آموزان در امر تدریس، هماهنگی میان احساس کفایت نسبت به آموخته های آنان و کاربرد عملی یافته های علمی آنان می باشد. معلم با توان مدیریت خود می تواند مدیریت بر دل های دانش آموزان داشته باشد و مدیریت معلم چیزی جز توان و قدرت تصمیم گیری و اجرای عمل نمی باشد. معلم باتوان و کارایی خود می تواند مدیریت زمان کلاس خود را طوری برنامه ریزی کند که لحظه لحظه ی کلاس درس او مفید و مطلوب آموزش و یادگیری باشد.

Archive of SID

منابع

- ادیب نیا، اسد(۱۳۸۹)، روش های تدریس پیشرفته، انتشارات دانشگاه آزاد شوشتر.
- الماسی حسینی، سید صمد(۱۳۹۷)، رشد عزت نفس و مهارت های اجتماعی در سایه آموزش تفکر فلسفی، انتشارات آریا دانش.
- الماسی حسینی، سید صمد(۱۳۹۴)، تعلیم و تربیت (آموزش، یادگیری، تربیت)، انتشارات سخنوران.
- برونینگ، راجر اچ؛ گلاور، جان ای(۱۹۹۰)، روانشناسی تربیتی، ترجمه علینقی خرازی (۱۳۸۱)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- بیلر، رابرت (۱۳۸۹)، کاربرد روانشناسی در آموزش، ترجمه پروین کدیور، جلد دوم، مرکز نشر دانشگاهی.
- تیلستون، دانا واکر (۱۳۸۵)، مدیریت و انضباط کلاس درس: آنچه هر معلمی باید درباره مدیریت و انضباط کلاس درس بدانند، ترجمه محمد جاودانی، انتشارات نوید.
- حقانی، فریبا؛ رضایی، حبیب ا... (۱۳۹۴)، فنون مدیریت کلاس: راهنمایی برای اداره کردن کلاس، مجله آموزش در نظام پزشکی.
- خنیفر، حسین(۱۳۸۲)، نگاهی دوباره به روش ها و فنون تدریس، قم، بوستان کتاب.
- شعبانی، حسن(۱۳۹۰)، روش تدریس پیشرفته، انتشارات سمت.
- کولین جی، اسمیت؛ لاسلت، روبرت (۱۳۸۰)، مدیریت کارآمد در کلاس درس، ترجمه زهرا صباغان، دانشگاه شهید بهشتی.
- وکیلان، منوچهر(۱۳۹۱)، روش ها و فنون تدریس، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- یانگ، جانی (۱۳۹۰)، هنر معلمی، ترجمه منصور متین، انتشارات مرسل.

Darling – Hammond, Linda and Bransford, john. (2005) . Preparing Teachers for a changing wrld : what teachers should learn and be Able todo . USA:jossey BASS.

Dembo , myronh . (1994) . Applying educational psychology, fifth edition.USA ; Longman.

Doyle, W. (1986). Classroom organization and management. In M. C. Wittrock (Ed.). Handbook of research on teaching (3rd ed.). New York: Macmillan.

Evereston, Carolin, M. (1987) Managing classrooms: A framework for teachers. New York: Random House.



تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق
و مطالعات فرهنگی - اجتماعی

کترانس ملی
دستاورد های نوین جهان در



Freiberg, H. J. (Ed.). (1999). Beyond behaviorism: changing the classroom management paradigm. Boston: Allyn & Bacon.

Marzano, R., Waters, T. and McNulty, B. (2006). School leadership that works. Heatherton, Vic.: Hawker Brownlow Education.

Archive of SID